

## پیشنهاد روشی در پاسخگویی به تعارض نظریه تکامل داروین با اعتقادات اسلامی به استادان دروس معارف اسلامی

مجید صالحی<sup>۱</sup>

### چکیده

**هدف:** ارائه و پیشنهاد روش پاسخگویی به پرسش برخی دانشجویان کلاسهای درس معارف اسلامی در باره تعارض نظریه تکامل داروین با اعتقادات اسلامی به استادان محترم این دروس. **روش:** روش این تحقیق توصیفی - اسنادی با مطالعه کتابخانه‌ای و استفاده از نرم‌افزارهای لازم و مراجعه به تفاسیر قرآن و همچنین دیدگاه زیست‌شناسان در مورد نظریه تکامل است. **یافته‌ها:** برخی زیست‌شناسان مدعی شده‌اند که علم تجربی، درستی نظریه تکامل داروین را اثبات کرده است. برخی از آنها نیز با این نظریه مخالفت کرده‌اند. دانشمندان مسلمان برای پاسخ به تعارض این نظریه با اسلام، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح کرده‌اند. **نتیجه‌گیری:** اثبات درستی نظریه تکامل، ناممکن است؛ چون استنتاج آن از داده‌ها، استنتاج غیر قیاسی است. همچنین مخالفت برخی زیست‌شناسان با این نظریه و ناسازگاری کلیت آن با تعالیم اسلامی، نادرست بودن آن را روشن می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** تحول گونه‌ها، داروین، اثبات خدا، آفرینش، اسلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

◇ دریافت مقاله: ۹۴/۰۴/۲۰؛ تصویب نهایی ۹۴/۰۹/۲۳.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر تهران/نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان سخایی، دانشگاه هنر، گروه معارف اسلامی / نمابر: 66498784 / Email: salehibirjandi@gmail.com

## الف) مقدمه

نظریه تکامل یا تحول گونه‌ها که از سوی داروین و پیروانش در زیست‌شناسی مطرح شده، پیامدهای خاصی را در عرصه دین، اخلاق، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی برجا نهاده است. برخی با سوء استفاده از آن، در وجود خدا، حقانیت دین و کتب آسمانی، اشرافیت انسان بر سایر موجودات و برخی ارزشهای اخلاقی، شبهه ایجاد کرده‌اند. برخی از دانشمندان مسیحی و مسلمان با این نظریه مخالفت کرده، آن را نادرست می‌دانند. برخی نیز گفته‌اند تعالیم دینی با این نظریه قابل جمع است و تعارضی ندارند.

مهم‌ترین مطلبی که شبهه‌کنندگان مغرضانه یا ناآگاهانه از آن به ناحق بهره می‌برند، این است که نظریه تکامل داروین از نظر علمی ثابت شده و قطعی است و دانشمندان علم زیست‌شناسی بر این مطلب اتفاق نظر دارند که این نظریه در آزمایشگاهها به روش علمی اثبات شده است؛ پس هر آنچه با آن تعارض دارد، مانند اعتقاد به خدا و دین، به طور حتم و قطعی باطل است.

این شبهه از طرف برخی دانشجویان در کلاسهای درس معارف اسلامی و در برخی مباحث، از جمله: اثبات وجود خدا، آفرینش انسان، قصه آدم و اشرافیت انسان نیز مطرح می‌شود. عدم پاسخ مستدل و مناسب به این شبهه از سوی اساتید معارف اسلامی باعث می‌شود در ذهن برخی دانشجویان نسبت به حقانیت اسلام تردید ایجاد شود. این مقاله بر آن است که در پاسخ به این شبهه، روشی را به اساتید محترم دروس معارف اسلامی ارائه و پیشنهاد دهد که امید است به یاری خداوند مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

روش تحقیق حاضر، توصیفی اسنادی، با تحلیل و بررسی روشهای ارائه شده در پاسخ به شبهه مورد نظر بوده است. گردآوری داده‌ها نیز با مطالعه کتابخانه‌ای، استفاده از نرم‌افزارهای لازم، مراجعه به تفاسیر قرآن و همچنین دیدگاه زیست‌شناسان در مورد نظریه تکامل صورت گرفته است.

محققان دیندار در پاسخ به شبهه تعارض دین با نظریه تکامل داروین، مقالات و کتب زیادی نوشته‌اند؛ *ایان باربور* در کتاب «علم و دین»، بخشی از این تلاشها از سوی محققان مسیحی را آورده است. دانشمندان مسلمان از جمله مفسران قرآن، مانند علامه طباطبایی، جوادی آملی، مکارم شیرازی، سبحانی و ... در تفاسیر خود و محققانی مانند استاد مطهری، مشکینی، مصباح یزدی، موسوی اردبیلی، یدالله سبحانی، فرامرز قراملکی، ابراهیم کلانتری، عبدالحسین خسروپناه، عبدالله نصری، علی افضلی و ... در کتب و مقالات خود در پی پاسخ به این شبهه برآمده‌اند.

قبل از بیان روش مختار در پاسخگویی به این شبهه، به توضیح نظریه تحول گونه‌ها و موضع‌گیری دانشمندان مسیحی و مسلمان در قبال آن پرداخته می‌شود.

## ب) نظریه تحول گونه‌ها

گونه‌های بسیار زیادی از موجودات زنده در روی زمین زندگی می‌کنند. گونه، شامل موجودات زنده‌ای است که اعضای آن فقط قابلیت آمیزش با یکدیگر برای تولید زاده‌های بارور در طبیعت را دارند و به قدر کافی از نظر ظاهر (فنوتیپ) به یکدیگر شبیه و از اعضای گونه‌های دیگر متمایزند (ریدلی، ۱۳۹۰: ۶۲؛ علی‌بیگ، ۱۳۸۱: ۷۶). در مورد تعداد گونه‌ها حرف‌های زیادی گفته شده، اما بنیاد اسلوان از طریق اجرای برنامه وسیعی با همکاری ۲۷۰۰ دانشمند از ۸۰ کشور جهان و به سرپرستی دکتر کامیلو مورا<sup>۱</sup> از مرکز سنسوس آف مارین لایف، تخمین می‌زند حدود ۷۷۷۰۰۰۰ گونه جانوری، ۲۹۸ هزار گونه گیاهی و ۶۱۱ هزار گونه قارچ در سراسر زمین پراکنده است که بیشتر آنها در اعماق اقیانوس و زیر سطح زمین زندگی می‌کنند. (مورا، ۲۰۱۱)

برای منشأ و گوناگونی گونه‌های موجودات زنده روی زمین، دیدگاه‌هایی متفاوتی مطرح شده است:

۱. خلقت‌گرایی<sup>۲</sup>؛ یعنی هر یک از گونه‌های موجودات زنده منشأ جداگانه‌ای دارند و در طول زمان تغییر نمی‌کنند، گرچه ممکن است از بین بروند.
۲. ترنسفورمیسم<sup>۳</sup>؛ یعنی هر یک از گونه‌های موجودات زنده منشأ جداگانه‌ای دارند، ولی ممکن است در طول زمان تغییر کنند یا از بین بروند.
۳. تغییر و تحول گونه‌ها<sup>۴</sup>؛ یعنی همه گونه‌های موجودات زنده منشأ مشترکی دارند و در طول زمان تغییر می‌کنند و اکثر گونه‌ها منقرض می‌شوند. (الیس، ۲۰۱۰: ۳۲)

داروین و پیروانش می‌گویند: گونه‌های امروزی موجودات، حاصل تحول گونه‌های گذشته‌اند و این تحول از رهگذر انتخاب طبیعی رخ می‌دهد. انتخاب طبیعی؛ یعنی تکامل، از تأثیر گذاری متقابل جمعیت و محیط در یکدیگر حاصل می‌شود. محدودیت غذا و مکان باعث رقابت موجودات زنده با یکدیگر برای بقا و تولید مثل می‌شود. انتخاب طبیعی موجب بقای ترجیحی و تولید مثل افرادی می‌شود که بر حسب تصادف، اختلافی را به ارث برده‌اند که آنها را در محیط زندگی‌شان نسبت به همسایگان‌شان در موقعیت برتری قرار می‌دهد. این افراد سازش یافته‌تر، بهتر از دیگران باقی می‌مانند و زاد و ولد می‌کنند. در نتیجه، ویژگی ممتاز آنها در نسل بعد فراوان‌تر می‌شود. در طول مدت مدید، این ویژگی سازشی به همه جمعیت تسری می‌یابد و میانگین خصوصیت گونه تغییر می‌کند. تغییرات کوچکی که به این ترتیب رخ می‌دهد،

---

1. Camilo Mora  
2. Creationism  
3. Transformism  
4. Evolution  
5. Ellis

## ۷۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۶

سرانجام و در مجموع، تحولات بزرگی را تشکیل می‌دهند که سبب پیدایش جانداران تازه‌ای در طول تاریخ زمین شده است. (الیس، ۲۰۱۰: ۳۶؛ باولر، ۱۳۸۰: ۱۸)

طرفداران نظریه تحول گونه‌ها بر این باورند که میلیون‌ها گونه موجودات زنده، یک منشأ واحد و مشترک داشته‌اند (ریدلی، ۱۳۹۰: ۷۰) و حیات آن سلول ابتدایی نیز تحت شرایط محیطی ویژه‌ای رخ داده است. گرچه هنوز این مشکل که پیش‌سلولها چگونه به سلول زنده تکامل یافتند! حل نشده باقی مانده است (علی‌بیگ، ۱۳۸۱: ۱۵۱). برخی از قول داروین گفته‌اند که پیدایش آن موجود زنده بسیار ساده، حاصل تصادف بوده است. (داوکینز، ۱۳۸۸: ۶۳)

طرفداران نظریه تحول گونه‌ها در مورد تاریخ حیات بر روی زمین این چنین گفته‌اند: زمین حدود ۴.۵ میلیارد سال عمر دارد. طی یکی دو صد میلیون سال اول، چنان شهاب‌سنگها زمین را بمباران می‌کردند که هر اقیانوسی به بخار تبدیل می‌شد؛ لذا دما بیش از آن بود که به پیدایش زندگی امکان دهد. احتمالاً حیات قبل از ۴ میلیارد سال پیش نمی‌توانسته سرچشمه گرفته باشد. شواهد سلولهای فسیلی از ۳ تا ۳.۵ میلیارد سال پیش در دست است. شواهد مولکولی حکایت از آن دارد که حیات با بیش از یک سلول یا بیش از یک نوع سلول، در حدود ۱.۵ میلیارد سال پیش آغاز شد. در حال حاضر اولین فسیلهای موجود از این گروه، مربوط به جلبکهاست که به ۱.۲ میلیارد سال پیش تعلق دارد. اسپورهای فسیل شده گیاهی از ۴۷۵ میلیون سال پیش موجود است. اولین جنسهای گیاه کامل به حدود ۴۳۰ میلیون سال پیش بازمی‌گردد. فسیلهای حاوی برگ بین ۳۵۰ تا ۳۹۰ میلیون سال پیش ظاهر شدند. بعدها در حدود ۶۰ میلیون سال پیش و بر مبنای آنچه شواهد فسیلی حکایت دارند، ظهور و گسترش گیاهان چمنی پیش آمد.

قدیمی‌ترین فسیل مهره‌داران مربوط به ماهی است که به دوره کامبرین (حدود ۵۴۰ میلیون سال پیش) برمی‌گردد. مهره‌داران خشکی ۳۶۰ میلیون سال پیش پدیدار شدند. اولین فسیلهای پستانداران به حدود ۲۰۰ میلیون سال پیش بازمی‌گردد. نخستی‌ها که اجداد انسان به شمار می‌روند، در حدود ۶۰ میلیون سال پیش می‌زیستند.

انسانها عضو یک راسته از پستانداران به نام پرمات‌ها هستند که برای اولین بار در حدود ۶۵ میلیون سال قبل ظاهر شدند. اولین پرمات‌ها روی درخت زندگی می‌کردند و ما برخی از خصوصیات آنها را به ارث برده‌ایم: مفاصل تا شونده، دستهای حساس و چنگ زنده، پوزه کوتاه و ... دو گروه از پرمات‌های زنده وجود دارند: پروسیمیان‌ها (مانند لوريسها و لمورها) و آنتروپوئیدها (میمون‌ها، ایپ‌ها، انسان‌ها). انسانها قرابت بسیار نزدیکی به ایپ‌ها دارند. ایپ‌ها، پرمات‌هایی‌اند که فاقد دم بوده و دستهایشان بلندتر از پاهایشان است. ایپ‌ها شامل گیبون‌ها، اورانگوتون‌ها، گوریل‌ها، شامپانزه‌ها و بونوبوها هستند. ما در ۹۷ درصد ژن‌ها با شامپانزه‌ها، که نزدیک‌ترین خویشاوند زنده ما هستند مشترکیم و رفتارهایمان نیز تشابهاتی با

## پیشنهاد روشی در پاسخگویی به تعارض نظریه تکامل داروین ... ۷۵

آنها دارد. گونه‌های ایپ‌ها و هومینیدها در درخت تکاملی، روی شاخه انسان قرار دارند. این شاخه بین ۶ تا ۸ میلیون سال قبل از یک دودمان مشترک شبه ایپ منشعب شد.

اولین هومینیدها یک گروه متنوع بودند که قدیمی‌ترین عضو کشف شده این گروه، موجودی به نام آردی‌پیتیکوس رامیدوس است که در حدود ۴.۴ میلیون سال قبل در جنگلها زندگی می‌کرد. قدیمی‌ترین عضو گروه دیگر استرال اوپیتک‌ها نام داشتند که حدود ۴ میلیون سال قبل می‌زیستند. گونه ما؛ یعنی هوموساپینس تنها هومینیدی است که منقرض نشده است. قدیمی‌ترین فسیل انسان مدرن یا هوموساپینس در آفریقا پیدا شده و مربوط به ۳۰۰۰۰۰ سال قبل است.

انسان به لحاظ تشریحی امروزی بین ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ سال پیش کاملاً در آفریقا، اروپا و آسیا مستقر شده بود. قدیمی‌ترین فسیل قطعی این انسان آفریقایی است و به بیش از ۱۰۰۰۰۰ سال پیش بازمی‌گردد (بعضی از فسیلهای قدیمی‌تر آفریقایی نیز ممکن است متعلق به همین انسان به لحاظ تشریحی امروزی باشد). انسانهای امروزی جد مشترک متأخری دارند. شواهد دی.ان.ای میتوکندری را برای یک جد مشترک احتمالاً آفریقایی انسانهای امروزی نشان می‌دهد. (ریدلی، ۱۳۹۰: ۴۸۲-۴۶۴)

### ج) موضع دانشمندان مسیحی در برابر نظریه تحول گونه‌ها

برخی از دانشمندان مسیحی، نظریه تکامل را مردود شمرده، آن را ضد دین و تعالیم آن می‌دانند (باربور، ۱۳۷۴: ۱۲۰؛ راسل، ۱۳۵۵: ۵۲). برخی دیگر که نظریه تکامل را پذیرفته‌اند، می‌گویند: این نظریه هیچ تعارضی با اثبات وجود خدا ندارد، بلکه تکامل، روش خدا یا روش انتخاب طبیعی است برای خلق موجودات زنده. تیلهارد، خلقت‌گرا بود؛ اما به این نتیجه رسیده بود که خلقت در این جهان فقط از طریق تکامل به پیش رفته است (دبژانسکی، ۱۳۸۹: ۱۷). نظر داروین تناقضی با این نظر ندارد که خداوند حکیمی روند تکامل را به عنوان راه غیر مستقیمی برای حفظ سازگاری انواع با جهانی دائم‌التغییر در طبیعت تعبیه کرده است. (باولر، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

آنها در حل تعارض ظاهر کتاب مقدس در مورد آفرینش انسان با نظریه تکامل، دیدگاههای متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی روایت کتاب مقدس را تعبیر شاعرانه و کنایی اذعان به انکای جهان به خداوند گرفته‌اند؛ اذعانی که از نظر آنان با قول به تکامل (همچون شیوه آفرینشگری خداوند) ناسازگار نیست. نواندیشان، کتاب مقدس را کتاب الهی نمی‌دانند، هر چند آن را الهام‌بخش می‌دانند. برخی، هم از نص‌گرایی و ترک تأویل و هم از نواندیشی پرهیز می‌کنند. موضع آنها حاکی از قبول اشتقاق جسم انسان از اصل و نسب حیوانی و در عین حال تصریح به اشرافیت و بی‌همتایی روح اوست. (باربور، ۱۳۷۴: ۱۲۰)

## د) موضع دانشمندان مسلمان در برابر نظریه تحول گونه‌ها

دانشمندان مسلمان در قبال نظریه تحول گونه‌ها، موضع‌گیری‌های متفاوتی داشته‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها را بیان می‌کنیم.

### ۱. آنها که نظریه تحول گونه‌ها را قطعاً نادرست و ضد دین می‌دانند.

برخی از دانشمندان مسلمان می‌گویند این نظریه از نظر علمی، نادرست و با دین و تعالیم الهی در تعارض است و معتقدند این نظریه را قدرتمندان و ظالمان طراحی کرده‌اند تا به اهداف ضد دینی خود برسند. (یحیی، ۲۰: ۱۳۸۸)

محقق‌ی گفته، نظریه تکامل ستون خیمه مدرنیسم است و نقشی مهم در مقابله با تعالیم دینی از جمله انهدام معنا و مفهوم تقدس آفرینش و آگاهی مستمر از خداوند به عنوان خالق و حافظ حیات انواع جانداران ایفا کرده است. وی معتقد است نظریه تکامل در بیگانه کردن علم با دین و ایجاد جهانی که می‌توان در آن سیر کرد و شگفتی‌های آفرینش را بدون کمترین احساس اعجاب و حیرت دینی مورد مطالعه قرار داد، تأثیر جدی داشت. (نصر، ۱۳۸۲: ۳۵)

### ۲. آنها که نظریه تحول گونه‌ها را اثبات نشده و غیر قطعی دانسته، نه آن را می‌پذیرند و نه قاطعانه آن را رد می‌کنند.

آنها می‌گویند این نظریه هیچ تعارضی با اثبات وجود خدا ندارد؛ زیرا پیدایش انواع جدید در جماد و گیاه و جاندار، نشانه دخالت دست غیبی در پدیده‌هاست. چه نظمی بالاتر از اینکه پروردگار از یک موجود تک سلولی ساده، این همه موجودات عجیب و شگفت‌انگیز گوناگون را ایجاد کند (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۴۱۰) و گفته شده، نه تنها نظریه تکامل، ضد الهی نیست، بلکه با اصل تکامل بهتر می‌توان دخالت قوه‌ای مدبر و هادی و راهنما را در وجود موجودات زنده و هدفمندی جهان را اثبات کرد و علت اینکه در غرب، عده‌ای این اصل را ضد الهی و الحادی تلقی کردند، ضعف دستگاه‌های فلسفی آنها بوده است (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۴۸). دیگری گفته، قبول یا رد نظریه تکامل با اثبات خدا و دیندار بودن یا نبودن انسانها ملازمه‌ای ندارد (رضایی اصفهانی، بی‌تا: ۲۹۰) و گفته‌اند، این نظریه هیچ مخالفتی با خداشناسی ندارد و نظریه اثبات انواع هم از دلایل خداپرستان بر وجود خدا نیست، بلکه نسبت هر دو نظریه به خداپرستی یکسان است. (سبحانی، بی‌تا: ۲۱)

این گروه در مورد آفرینش انسان و نظریه تحول گونه‌ها موضع‌گیری‌های متفاوتی داشته‌اند که مهم‌ترین دیدگاه‌ها را در ادامه بیان می‌کنیم.

پیشنهاد روشی در پاسخگویی به تعارض نظریه تکامل داروین ... ۷۷

**یک) پذیرش ظهور آیات قرآن که خلقت آدمی را به طور ثبوتی و مستقل می‌داند، بر نظریه ظنی و اثبات نشده تحول گونه‌ها مقدم است.**

برخی مفسران قرآن می‌گویند: ظهور آیات قرآن این است که خلقت آدمی به طور ثبوتی و مستقل بوده است؛ و بشر موجود امروزی از طریق تناسل منتهی می‌شود به یک زن و شوهر معین به نام آدم و همسرش؛ و آن دو از هیچ پدر و مادری متولد نشده‌اند، بلکه از خاک یا گل یا زمین یا ... خلق شده‌اند. آنها معتقدند که نظریه ظنی و اثبات نشده تحول گونه‌ها نمی‌تواند سبب تصرف در ظاهر متون دینی شود. برخی این ظهور را قریب به نص دانسته‌اند، گرچه گفته‌اند ظهور آیات در این معنا به حد صراحت نمی‌رسد و نص در این معنا نیست، تا نشود آن را تأویل کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۵۵). بعضی نیز گفته‌اند به فرض اینکه نظریه تحول گونه‌ها وارد یک مرحله قطعی انکارناپذیر شود، توجیه و تفسیر آیات قرآن و نظایر آن، به طوری که با فرضیه مزبور سازش پیدا کند، کار مشکلی نیست؛ زیرا مضمون آیات به گونه‌ای نیست که به صراحت این مراحل را رد کند و قرآن مناقض آن نیست. (مکارم شیرازی، بی تا: ۲۷۴؛ سبحانی، بی تا: ۲۹؛ مطهری، ۱۳۵۷: ۱۳۲)

برخی از آنها قائلند که نظریه تحول گونه‌ها به فرض اثبات، نمی‌تواند آنچه در مورد پیدایش آدم در ظاهر متون دینی آمده را رد کند؛ زیرا انسانهای فراوانی قبل از آدم به دنیا آمده و منقرض شده‌اند، ولی آدم از نسل هیچ کدام از آنان نبوده است. تجربه می‌تواند بگوید که چنین مطالبی درباره بشر واقع شده است، ولی نمی‌تواند ادعا کند که غیر آن محال است و تنها راه تحقق بشر همین است که آثار باستانی همراه با آزمون‌های زیست‌شناسی دیگر ارائه می‌کند. بنابر این، خلقت مستقل و ثبوتی انسان، می‌تواند یک استثنای معجزه‌آسا باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۵۱۲؛ مصباح یزدی، بی تا: ۳۴۸)

این گروه برای اثبات سخن خود از آیات ۵۹ آل عمران، ۳۱ مائده، ۷ و ۸ سجده و ۱ نساء بهره برده‌اند.

**دوم) قرآن کتاب هدایت است نه بیان علوم تجربی، پس در اثبات یا نفی نظریه تحول گونه‌ها، دیدگاهی را نباید به قرآن نسبت داد.**

برخی گفته‌اند این نظریه هنوز به سرحد قطعیت نرسیده، لذا کاملاً ظنی است. گروهی از آنها گفته‌اند قرآن نیز به طور نص و قطعی در باره نحوه آفرینش انسان سخنی ندارد. آیات قرآن قابل انطباق با نظریه تکامل و نظریه ثبات انواع، هر دو است؛ پس نمی‌توان یکی از دو نظریه را به صورت قطعی به قرآن نسبت داد. لازم نیست قرآن در مورد هر نظریه علمی به صورت اثبات یا نفی نظر داده باشد؛ چون کتاب هدایت است و اشارات علمی را در حد لزوم و در راستای هدف هدایت استفاده می‌کند (رضایی اصفهانی، بی تا: ۲۹۰). قرآن اولاً و بالذات در صدد بیان نظریه زیست‌شناختی نبوده است تا مثبت یا نافی نظریه تحول گونه‌ها باشد (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۴۴۰). همچنین گفته‌اند، زبان وحی و زبان علم، دو زبان متمایز از یکدیگرند؛ بنابر این، نص قرآن سخنی در بیان چگونگی خلقت انسان اولیه ندارد، بلکه آنچه هست کلامی عرفی در خلقت انسان است؛ کلامی غیر از

سخنان علمی و تجربی! و لذا اولاً، محتمل مدلولهای لفظی متخالف است؛ ثانیاً، نسبت به هر نظریه علمی بی تفاوت است و در نتیجه، با هیچ نظریه علمی معارض نیست. تعارض وقتی رخ می دهد که ما به هر دلیلی پا را از نصّ فراتر نهمیم و خود را به معانی محتمل و ظنیّی فرا نصّی مشغول داریم. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۷۳: ۱۵۵)

### ۳. آنها که نظریه تحول گونه‌ها را درست و موافق قرآن می دانند.

برخی گفته اند هیچ تعارضی بین تعالیم قرآن و نظریه تکامل وجود ندارد. آنها با استفاده از آیات قرآن می گویند: آدم اولین انسان نیست و از میان جمعی که مثل او بودند و پیش از او و با او می زیستند برگزیده شده؛ بنابر این، خلقتی مؤخر نسبت به پیدایش انسان داشته است. لهذا بیان آنکه نوع انسان از آدم پدید آمده است، از نظر قرآن مبنا و اساسی ندارد و درست نیست (سحابی، ۱۳۴۶: ۱۱۰). بشر قبل از آدم، میلیونها سال می زیسته و آدم اولین بشری است که مکلف به تکالیف دینی شد (شاهین، بی تا: ۱۰۳) و با تکامل جسمی و روحی، شایستگی مقام خلافت خدا را پیدا کرد (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۶: ۳۶). آنها برای اثبات دیدگاه خود به آیاتی از قرآن از جمله: آیات ۷ تا ۹ سوره سجده، ۳۳ آل عمران و ۵۴ فرقان استناد می کنند.

### هـ) روش پیشنهادی برای پاسخ به این شبهه

همانگونه که در ابتدای مقاله گفته شد، برخی دانشجویان کلاسهای درس معارف اسلامی بر این باورند که نظریه تکامل داروین از نظر علمی ثابت شده و قطعی است؛ پس هر آنچه با آن تعارض دارد، از جمله وجود خدا و تعالیم اسلامی، به طور حتم و قطعی باطل است. پیشنهاد این مقاله به اساتید محترم دروس معارف اسلامی در پاسخ به این شبهه بیان مطالب ذیل است.

#### ۱. نظریه تحول گونه‌ها ثابت شده و قطعی نیست

برخی مغرضانه یا ناآگاهانه می گویند نظریه تکامل داروین از نظر علمی ثابت شده و قطعی است! برخی از این سخنان را به عنوان نمونه می آوریم: هیچ زیست شناس صادقی در واقعیت تکامل و اینکه همه موجودات زنده خویشاوند یکدیگرند، تردید ندارد (داوکیز، ۱۳۸۸: ۳۳۵). دانشمندان بسیاری معتقدند که نظریه تکامل از طریق انتخاب طبیعی، کاملاً به اثبات رسیده و راه را برای فهم چگونگی پیدایش حیات در کره زمین هموار کرده است (باولر، ۱۳۸۰: ۹). عنصرهای اصلی نظریه تکامل به اندازه هر چیز دیگری که در علم از آن آگاهیم، آزموده شده و به اثبات رسیده اند (بنوک، ۱۳۸۸: ۲۱). نظریه تکامل یکی از نظریه های علمی - همانند نظریه سلولی و نظریه اتمی - است که در آزمایشگاهها به روش علمی اثبات شده است. اکنون دلیل آنکه اشیای مادی از اتم ساخته شده اند، مسلم است و نظریه اتمی اکنون یک واقعیت است. نظریه تکامل نیز چنین است (همان: ۲۷). اطمینان داریم که قانون داروین واقعیت است و معلم ملزم است از قانون داروین سخن بگوید



## پیشنهاد روشی در پاسخگویی به تعارض نظریه تکامل داروین ... ۷۹

تا بتواند بر جهانی بودن و کلیت آن تأکید کند (همان: ۲۲، ۲۴). زیست‌شناس دیگری گفته است: بر خلاف گفتار مخالفان علم تکامل، تکامل واقعیت است. (فیچ، ۱۳۸۸: ۲۹)

دایترانسکی یکی از برجسته‌ترین زیست‌شناسان تکاملی قرن بیستم گفته است: هیچ چیز در زیست‌شناسی نیست که خارج از پرتو تکامل، مفهومی داشته باشد (ریدلی، ۱۳۹۰: ۲۳). حتی می‌بینیم طرفداران این نظریه، مخالفان را افرادی نادان و متعصب و مخالف علم می‌خوانند (کراکرف، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲). مثلاً گفته شده: تکامل فرایندی است که همواره در تاریخ زمین به پیش رفته و فقط کسانی به آن شک می‌کنند که از شواهد بی‌خبر یا متعصبانه در برابر آنها مقاومت می‌کنند (کرام‌الدینی، ۱۳۹۱: ۳۲). حتی گفته شده اگر دانشمند زیست‌شناسی با دلایل کاملاً علمی با نظریه تکامل مخالفت کند، مطرود شده، موفقیت کاری خود را از دست داده، همکارانش او را ابله می‌پندارند. (نصر، ۱۳۸۷: ۷)

اما در پاسخ به این ادعا که نظریه تحول گونه‌ها قطعی و اثبات شده است، اینگونه باید گفت:

برای تبیین رویدادهای جهان، راههای مختلفی از جمله راه استدلال قیاسی و راه استدلال استقرایی را می‌توان به کار برد. استدلال قیاسی با شرایط خاصی یقین‌آور است؛ اما در استدلال استقرایی این امکان وجود دارد که مقدمات صادق به نتیجه کاذب بینجامد (اکاشا، ۱۳۸۹: ۲۵). باید کلمه «اثبات» را فقط در جایی به کار ببریم که با استنتاج قیاسی سروکار داریم. به ندرت پیش می‌آید، شاید هم هرگز پیش نیاید، که بتوان با تکیه بر داده‌ها، فرضیات علمی را به معنای دقیق کلمه اثبات کرد. (همان: ۲۸)

داروین در دفاع از نظریه تکامل، از نوعی استنتاج استقرایی به نام «استنتاج به قصد بهترین تبیین» بهره برد؛ یعنی یک نظریه در مقایسه با نظریه‌های دیگر، داده‌ها را بهتر تبیین می‌کند. او یادآور شد که اگر فرض کنیم گونه‌های فعلی جدا جدا آفریده شده‌اند، در آن صورت برخی واقعیت‌های مربوط به جهان جانداران را به دشواری می‌توان تبیین کرد. حال آنکه اگر نظریه او را بپذیریم و برای گونه‌های فعلی، اسلاف مشترک قائل شویم، آنگاه واقعیت‌ها کاملاً معقول و منطقی به نظر خواهند رسید (همان: ۳۸). نظریه تکامل بهترین تبیین برای داده‌های مورد نظر به شمار آمد؛ چون سادگی و ایجاز داشت. اما چه دلیلی هست که نشان دهد در مقایسه با نظریه پیچیده‌تر، احتمال صدق نظریه ساده‌تر بیشتر است؟ (همان: ۴۲)

در تاریخ، بیش از ۳۰ نظریه در علوم مختلف و از دوران مختلف نام برده شده که روزگاری کاملاً موفق بوده‌اند و اکنون باطل شمرده می‌شوند (همان: ۸۵). تاریخ علم برای ما روشن می‌کند که توفیق تجربی یک نظریه، دلیل درستی آن نظریه نمی‌شود. برای مثال، نظریه فلورنستونی احتراق در شیمی و نظریه موجی نور در فیزیک که به لحاظ تجربی کاملاً موفق بودند؛ یعنی با داده‌های مشاهده‌ای آن زمان به خوبی جور در می‌آمدند، اما علم جدید می‌گوید هر دو نظریه نادرست است (همان: ۸۵، ۸۷). پس نظریات علمی رایج نیز اگر با شواهد و داده‌ها کاملاً همخوان باشند، لزوماً درست نیستند. (همان: ۸۸)

علامه طباطبایی علت یقینی نبودن علمی که صرفاً مستند به تجربه‌اند را این می‌داند که فرضیاتی که در علوم ساخته می‌شوند، دلیل و گواهی غیر از انطباق با عمل و نتیجه عملی دادن ندارند و نتیجه عملی دادن، دلیل بر صحت یک فرضیه و مطابقت آن با واقع نمی‌شود؛ زیرا ممکن است یک فرضیه صد درصد غلط باشد، ولی در عین حال بتوان از آن عملاً نتیجه گرفت؛ چنانکه هیئت بطلمیوس که زمین را مرکز عالم و افلاک و خورشید و همه ستارگان را متحرک به دور زمین می‌دانست غلط بود، ولی در عین حال از همین فرضیه غلط، درباره خسوف و کسوف و غیره نتیجه عملی می‌گرفتند. دانشمندان جدید هرگاه فرضیه‌ای ابراز دارند که تجربه‌های موجود آن را تأیید کند، ادعای یقین مطلق درباره آن نمی‌کنند و به عنوان حقیقت مسلم آن را بیان نمی‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۵۰)

استنتاج نظریه تکامل، بر اساس شواهد تجربی و نتیجه عملی دادن آنهاست و استنتاج قیاسی نیست؛ پس یقین آور و قطعی و اثبات شده نیست. برخی گفته‌اند: اگر از «اثبات» معنای دقیق آن مورد نظر باشد، اثبات درستی نظریات علمی همواره کاری است ناممکن؛ زیرا استنتاج نظریه از داده‌ها، همواره استنتاج غیر قیاسی است (اکاشا، ۱۳۸۹: ۱۷۳). از طرف دیگر، باید به این مطلب توجه داشت که بیشتر متخصصان هر رشته از علوم تجربی از جمله زیست‌شناسی، در صدد کشفهای اساسی نیستند، بلکه می‌خواهند پارادایم موجود را بسط و ادامه دهند و نمی‌کوشند پارادایم غالب را به محک آزمون بزنند. لذا آن را بی‌چون و چرا می‌پذیرند و پژوهشهای خود را صرفاً در چارچوب و محدوده آن سامان می‌دهند. (همان: ۱۰۹)

## ۲. مخالفت برخی زیست‌شناسان با نظریه تکامل

البته این مقاله بر آن نیست که دلایل موافقان و مخالفان تکامل را ارائه و بررسی کند و دلایل درستی یا نادرستی هر کدام را شرح دهد، چون نگارنده، تخصصی در زمینه زیست‌شناسی ندارد. این قسمت مقاله می‌خواهد بگوید که وجود مخالفت‌های برخی زیست‌شناسان و محققان با نظریه تکامل، با قطعیت و یقینی بودن آن سازگاری ندارد.

حتی در میان زیست‌شناسان حرفه‌ای، هستند کسانی که معتقدند آرای داروین نادرست است و تا اصلاح نشود یا حتی کاملاً کنار گذاشته نشود، مانعی بر سر راه علم خواهد بود. این ادعا را که داروین متفکری خلاق نبود، از زبان چند زیست‌شناس معاصر نیز می‌شنویم که می‌گویند اصلاً نظریه انتخاب طبیعی او کاملاً غلط است. زیست‌شناسانی مانند لووتروپ، داروینیس را کلاه گشادی می‌دانند که به وسیله فشارهای مسلکی در عصر سرمایه‌داری بر سر زیست‌شناسان گذاشته شده! نویسندگان تاریخ تمدن، از جمله ژاک بارزون و گرتروید هیمل فارب، کتاب «پیدایش انواع» را متهم به این می‌کنند که عصر مادیگری و تقدیس زورگویان عریان را آغاز و راه را برای فجایع قرن بیستم هموار کرده است. (باولر، ۱۳۸۰: ۹، ۱۴، ۱۷)

## پیشنهاد روشی در پاسخگویی به تعارض نظریه تکامل داروین ... ۸۱

هارون یحیی، محقق اهل ترکیه، کتابها، مقالات و مصاحبه‌های زیادی در مخالفت با نظریه تکامل دارد که با استدلالهای زیست‌شناسی تلاش می‌کند نادرست بودن این نظریه را تبیین کند. وی داروینیسم را ریشه شکل‌گیری بسیاری از دیدگاهها و فرقه‌های سیاسی از جمله ماتریالیسم و فراماسونری می‌داند. (یحیی، ۱۳۹۵)

جام جم آنلاین در خبری با عنوان «مخالفت جهانی دانشمندان علیه نظریه داروین» آورده است: «پیش از ۶۰۰ دانشمند از اقصی نقاط جهان<sup>۱</sup> با صدور بیانیه‌ای، به طور علنی تردید خود نسبت به نظریه داروین درباره تحول انسان را اعلام کردند.» (جام جم آنلاین، ۱۳۸۵)

دکتر سید حسین نصر می‌گوید: من در هاروارد نه تنها فیزیک، بلکه زمین‌شناسی و دیرین‌شناسی هم خوانده‌ام و با این پیش‌زمینه فکری است که فهم رایج در خصوص نظریه تکاملی داروینی را رد می‌کنم. زیست‌شناسان بسیاری از جمله: جی. سرمونیک، آر. فوندی و جی. موناسترا که ایتالیایی‌اند و بسیاری دیگر در فرانسه و آلمان، معتقدند داروینیسم مانع رشد و توسعه زیست‌شناسی شده و با داده‌های زیست‌شناختی در تطابق نیست و آنچه در شواهد دیرین‌شناختی ظهور یافته، در واقع یک انقلاب است و نه یک تکامل (نصر، ۱۳۸۷: ۷). محقق در بخش مقالات ویژه تارگه «وعده صادق»<sup>۲</sup>، در رد نظریه تکامل، سلسله مقالاتی را ارائه و به طور مفصل ضعفها، اشکالات، ایرادات و ابهامات موجود در این نظریه را بیان کرده است. استدلالهای وی مستند به مقالات معتبر علمی است که طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ میلادی منتشر شده‌اند. ترجمه مقاله مایکل جی بیپی در مخالفت با نظریه تکامل در «نامه علم و دین» چاپ شده است (بیپی، ۱۳۸۳: ۱۵۳). دکتر سید محمود میرافضلی در وبلاگ خود<sup>۳</sup> مقالات متعددی در رد تکامل از قول محققان آورده است که دلایل علمی خود را به طور مشروح بیان کرده‌اند. در آمریکا زیست‌شناسان درجه یکی مخالف این نظریه‌اند (میاندری، ۱۳۹۲: ۹) و هستند زیست‌شناسانی که در مورد این نظریه، شبهه دارند. (داوکینز، ۱۳۸۸: ۳۳۵)

### ۳. مغایرت مجموعه نظریه تکامل با تعالیم اسلامی

گرچه برخی زیست‌شناسان طرفدار نظریه تکامل گفته‌اند تعارضی بین این نظریه با اعتقاد به خدا و تعالیم دینی وجود ندارد (علی‌بیک، ۱۳۸۱: ۱۱؛ ریدلی، ۱۳۹۰: ۷۸؛ دابژانسکی، ۱۳۸۹: ۱۷؛ کراکرفت، ۱۳۸۸: ۱۳)، اما برخی دیگر از طرفداران این نظریه، قائل به تعارض آن با جهان‌بینی الهی و بطلان اعتقاد به خدا و تعالیم دینی شده‌اند (فوتویاما، ۱۳۸۸: ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۵) و گفته‌اند: داروین هنگامی که پیدایش انواع را نوشت، به خدا اعتقاد داشت. وی سعی داشت اعتقاد به خدا را حفظ کند، ولی نمی‌توانست تنازع بی‌امان برای بقا را از مصنوعات

۱. نامه دانشمندان مخالف داروینیسم و مشخصات و تخصص آنها در تارگه [WWW.DISSENTFROMDARWIN.ORG](http://WWW.DISSENTFROMDARWIN.ORG) آمده است.  
۲. [www.abvadosadegh.com](http://www.abvadosadegh.com)  
۳. <http://fargasht.persianblog.ir>

صنع الهی بداند. نظریه تکامل با تصور ناگزیری پیشرفت، سر ناسازگاری داشت و با این نظریه که طبیعت به خواست آفریدگارش به سوی هدف معینی به پیش می‌رود، کنار نمی‌آمد. (باورلر، ۱۳۸۰: ۱۱۹)

مروّجان نظریه تکامل که می‌خواهند از آن برای مقابله با دین استفاده کنند، کل اجزای مجموعه نظریه را به صورت یکجا در نظر می‌گیرند و اینگونه القا می‌کنند که تنها راه توضیح جهان زیست‌شناختی و علت وجود ما، نظریه تکامل است (بنوک، ۱۳۸۸: ۲۱). همچنین گفته شده تنها این نظریه است که می‌تواند به طور قانع‌کننده‌ای علت وجود ما را و علت اینکه چرا به این صورتیم که هستیم، توضیح دهد. (داوکیتر، ۱۳۸۸: ۱۰)

در پشت جلد کتاب «ساعت‌ساز نابینا» نوشته داوکیتر و ترجمه دکتر بهزاد، از قول برخی رسانه‌های غربی مطالبی آمده که جالب توجه است. از آبنرور اینطور نقل شده: این اثر به وضوح آشکار می‌کند چگونه کشف داروین؛ یعنی فرایند ناخودآگاه، خود به خودی و بی‌هدف، اما اساساً غیر تصادفی انتخاب طبیعی، تنها پاسخ این پراهمیت‌ترین سؤال است که: ما از کجا آمده‌ایم؛ چگونه چنین که هستیم شده‌ایم و آیا نقشه اولیه‌ای در کار است؟ از نظر داوکیتر، ساعت‌ساز نابینا خود طبیعت است که به تدریج از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین جزء همه چیز، از دی.ان.ای، صورت و سامان یافته است. (داوکیتر، ۱۳۸۸: پشت جلد)

مروّجان این نظریه به دنبال این هستند که القا کنند نظریه تکامل، که امری ثابت شده و قطعی است، برای ما آشکار می‌کند که منشأ آفرینش امری تصادفی بوده و در تفسیر موجودات نیازی نیست به اینکه بگوییم جهان برای رسیدن به هدفی آفریده شده است، بلکه کلیه موجودات زنده در شبکه حیات، تنها با قانون طبیعی مکانیکی اداره می‌شوند. انسان هم مانند سایر گونه‌ها، محصول تغییرات تصادفی و تنازع بقا و زاده تصادف کور و قانون طبیعت است. اختلاف اساسی بین انسان و حیوانات نیست و تمام اوصاف جسمانی و روانی انسان، حالت تکامل یافته‌ای از حیوانات است.

همانطور که در مباحث قبلی این مقاله بیان شد، برخی محققان اسلامی این نظریه را پذیرفته و برخی نیز گفته‌اند اگر این نظریه روزی به قطعیت رسید، مناقض تعالیم اسلامی نیست. شاید بیان این دیدگاهها به این خاطر باشد که آنها به اجزایی از این نظریه توجه داشته‌اند که با تعالیم قطعی دین مغایرتی ندارد، نه به مجموعه نظریه. اما اگر دقت شود، این مطلب روشن می‌شود که این نظریه کاملاً مغایر اعتقادات اسلامی است و به آن آسیب می‌زند. اگر کسی باور کند که این نظریه درست است، بینش و مفاهیم و ارزشهای حیاتی را تغییر می‌دهد.

### پیشنهاد روشی در پاسخگویی به تعارض نظریه تکامل داروین ... ۸۳

در اسلام، انسان غایت خلقت است و همه چیز برای او آفریده شده است (جائیه: ۱۳) و او برای عبادت پروردگار (ذاریات: ۵۶). جهان، مسخر آدمی قرار داده شده (لقمان: ۲۰) و او در برابر خالق جهان مسئول است (اسراء: ۳۶ صافات: ۲۴). آفرینش آدمی تصادفی و عبث نیست. (احزاب: ۱۵)

قریب به اتفاق مفسران قرآن کریم، آدم و همسرش را پدر و مادر همه انسانها می‌دانند و گفته‌اند که آن دو از خاک آفریده شده‌اند و از نسل انسان دیگری نیستند. ظاهر و حتی تصریح آیات قرآن بر این مطلب دلالت دارد: نسا: ۱؛ اعراف: ۲۷؛ اسراء: ۶۲؛ آل عمران: ۵۹؛ سجده: ۸-۷ و مائده: ۳۱. این آیات چگونه با کلیت نظریه تکامل سازگاری دارند که برخی مفسران قائل به سازگاری آیات قرآن با این نظریه شده‌اند؟

مفسرانی که گفته‌اند در صورت قطعیت نظریه تکامل، آفرینش انسان یک معجزه الهی است، شاید به این مطلب توجه نکرده‌اند که نظریه تکامل برای این ارائه شده تا مسیر آفرینش انسان را توضیح دهد. استثنا کردن انسان از این نظریه، به نحوی قائل شدن به بطلان آن است.

در پاسخ به مفسرانی که گفته‌اند هدف قرآن هدایت انسانهاست نه بیان مطالب علوم تجربی، باید گفت گرچه شاید هدف اصلی قرآن بیان کیفیت آفرینش انسان نیست، اما اگر بالعرض مطلب صریحی در مورد کیفیت آفرینش انسان بیان کند (مانند اینکه گفته است آدم و همسرش، پدر و مادر همه انسانهاست و آن دو از خاک آفریده شده‌اند و از نسل انسان دیگری نیستند) آیا حجت نیست؟

### (و) نتیجه‌گیری

اینکه برخی مغرضانه یا ناآگاهانه می‌گویند نظریه تکامل داروین از نظر علمی ثابت شده و قطعی است، سخن گزافی است؛ زیرا در دفاع از نظریه تکامل، از نوعی استنتاج استقرایی به نام «استنتاج به قصد بهترین تبیین» بهره برده شده است؛ یعنی این نظریه در مقایسه با نظریه‌های دیگر، داده‌ها را بهتر تبیین می‌کند. پس چون استنتاج این نظریه از داده‌ها، استنتاج غیر قیاسی است، اثبات درستی آن ناممکن است. حتی اگر این نظریه با شواهد و داده‌ها کاملاً همخوان باشد، لزوماً درست نیست؛ زیرا تاریخ علم برای ما روشن می‌کند که توفیق تجربی یک نظریه، دلیل درستی آن نظریه نیست. از طرف دیگر، بیشتر متخصصان زیست‌شناسی می‌خواهند پارادایم تکامل را ادامه دهند و نمی‌کوشند آن را به محک آزمون بزنند. لذا بی‌چون و چرا آن را می‌پذیرند و پژوهشهای خود را صرفاً در چارچوب و محدوده آن سامان می‌دهند.

وجود مخالفت برخی زیست‌شناسان و محققان با نظریه تکامل، با قطعیت و یقینی بودن آن سازگاری ندارد. همچنین، اینکه برخی محققان اسلامی این نظریه را پذیرفته و برخی نیز گفته‌اند در صورت قطعی شدن این نظریه، مناقض تعالیم اسلامی نخواهد بود، شاید آنها به اجزایی از این نظریه توجه داشته‌اند که با

تعالیم قطعی دین مغایرتی ندارد نه به مجموعه نظریه. اما اگر دقت شود این مطلب روشن می‌شود که این نظریه کاملاً مغایر اعتقادات اسلامی است و به آن آسیب می‌زند. آیاتی از قرآن که بر مخلوق خدا بودن جهان، هدفداری انسان و جهان، اشرافیت انسان، از نسل آدم بودن همه انسانها و ... دلالت دارند، با کلیت نظریه تحول گونه‌ها سازگاری ندارند.



## منابع

- قرآن کریم.
- اکاشا، سمیر (۱۳۸۹). فلسفه علم. ترجمه هومن پناهنده. تهران: فرهنگ معاصر.
- باربور، ایان (۱۳۷۴). علم و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ دوم.
- باولر، پیتر (۱۳۸۰). چارلز داروین و میراث او. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز.
- بیهی، مایکل جی. (۱۳۸۳). «داروین و پدیده‌های میکروسکوپی». نامه علم و دین، ش ۲۴-۲۱: ۱۵۳.
- بنوک، روبرت (۱۳۸۸). «نگاهی به آموزش علم تکامل و طبیعت علم». ترجمه محمد صبور، علم تکامل و جامعه. تهران: خانه زیست‌شناسی.
- جام جم آنلاین (۱۳۸۵). شماره خیر: ۱۰۰۰۰۴۰۴۳۵۱۰، یکشنبه چهارم تیرماه. قابل دسترسی در:  
<http://www1.jamejamonline.ir/archcategories.aspx?year=1385&month=4&day=&SID=00>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ج ۳. قم: اسراء.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲). کلام جدید. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چ سوم.
- دایژانسکی، تئودوسیوس (۱۳۸۹). «در زیست‌شناسی هیچ چیز معنی ندارد، مگر در پرتو تکامل». ترجمه محمد کرام‌الدینی. رشد آموزش زیست‌شناسی، ش ۷۹ (تابستان): ۱۷.
- داو کیتز، ریچارد (۱۳۸۸). ساعت‌ساز نابینا. ترجمه محمود بهزاد. تهران: مازیار.
- راسل، برتراند (۱۳۵۵). علم و مذهب. ترجمه رضا مشایخی. تهران: دهخدا.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (بی‌تا). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲. قم: کتاب مبین.
- ریدلی، مارک (۱۳۹۰). تکامل. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- سبحانی، جعفر (بی‌تا). منشور جاوید (تفسیر موضوعی قرآن)، پیامون قصص انبیاء، ج ۱۱. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سحابی، یدالله (۱۳۴۶). خلقت انسان. تهران: شرکت سهامی انتشار، چ دوم.
- شاهین، عبدالصبور (بی‌تا). ای آدم قصه‌الخلیقه بین الاسطوره والحقیقه. مصر: دار اخبار الیوم قطاع الثقافه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد اول. با شرح مرتضی مطهری. تهران: صدرا، چ سوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- علی‌بیگ، هنگامه (۱۳۸۱). تکامل. تهران: فیروزه.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۷۳). موضع علم و دین در خلقت انسان. تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
- فوتویاما، داگلاس (۱۳۸۸). «طبیعت انتخاب طبیعی». ترجمه محمد صبور. علم تکامل و جامعه. تهران: خانه زیست‌شناسی.





- Faramarz Gharamaleki, Ahad (1994). **Science & Religion Topic in Human Creation**. Tehran: Arayeh Cultural Institute.
- Fitch, Walter (2009). "**Evolution is Reality**". Translated by Mohammad Sabour. *Evolution of Science & Society*. Tehran: Biology House.
- Fotoyama, Douglas (2009). "**Nature of Nature Selection**". Translated by Mohammad Sabour, *Evolution of Science & Society*, Tehran, Biology House
- Javadi Amoli, Abdullah (2001). **Tasnim, Quran Description, 3<sup>rd</sup> Vol.** Qom: Asara Publication Center.
- Keram-o-dini, Mohammad (2012). **Living like Butterfly**. Tehran: Biology House.
- Khosropanah, Abdulhossein (2003). **New Word**. Qom: Hawzeh Cultural Research & Study Center, Third Print.
- Makarem Shirazi, Naser (?). **Semi-Philosophers**. Tehran: dar-o-alkotob Eslami.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (?). **Education of Quran**. Qom: Dar-rah-Hagh Publications.
- Miandari, Hassan (2013). **philosophy of Biology**. *ettela`at Hekmat Va Ma`refat*, number 87:5 .
- Mora, Camilo (2011). "**How Many Species Are There on Earth and in the Ocean**
- Motahhari, Morteza (1978). **The Reasons of Tendency to Materialism**. Tehran: Sadra publication.
- Motahhari, Morteza (1995). **monotheism**. Tehran: Sadra .
- Naser, Seyed Hossein (2003). **Moslem Juveniles & New World**. Translated by Asadi. Tehran: Tarhe No.
- Naser, Seyed Hossein (2008). **Etemad Newspaper**. No. 1765: 7.
- Pinok, Robert (2009). "**A Look on the Evolution Science & Nature of the Science**". Translated by Mohammad Sabour. *Evolution of Science & Society*. Tehran: Biology House.
- **Quran**.
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (?). **An Investigation on Quran Scientific Miracle**. Second Volume. Qom: Mobinbook.
- Ridely, Mark (2011). **Evolution**. Translated by Abdulhossein Vahhabzadeh. Mashhad: Jahad Daneshgahi.
- Russel, Bertrand (1976). **Science & Religion**. Translated by Mashayekhi. Tehran: Dekhoda.
- Sadegh Institute.
- Sahabi, Yadollah (1967). **The Creation of Human Being**. Tehran: Enteshar Company, Second Pub.
- Shahin, Abdulsabour (?). **Abi-Adam Ghesatolkhalifah, Beine al-Ostoura Val Haghgha**. Egypt: Dar Akhbar Alyom Gheta-o-Alseghafat.

- Sobhani, Jafar (?). **The Eternal Pyramid** (about Prophet's Stories), 11st Volume. Qom: Iman
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1417, Arabian Calendar). **Almizan fi Tafsir-e-Alquran**. The Community of Qom Hawzeh Instructor.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1993). **Philosophy Basics and Realism Method**. 1<sup>st</sup> Volume. With Morteza Motahhari Description. Sadra Publication, 3<sup>rd</sup> Print.
- Yahya, Haroon (2009). "Darwin's Theory is Not Acceptable". *Daneshmand Magazine*, Number 548: 20.
- Yousefi Eshkevari, Hassan (1997). **Creation Story, a Review**. Tehran: Ghalam.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی